

Effect of Financial Turmoil on Tax Avoidance of Companies Listed on The Tehran Stock Exchange

Hamed Tajmir Riahi^{id}*, Zahra Asadi^{id}**

Abstract

Companies face various fluctuations during their life cycle that will cause financial turmoil in their business process. One of the first ways to get out of this turmoil is to reduce various costs, including taxes. Financially disadvantaged companies are more likely to avoid taxes. The purpose of this study is to investigate of the effect of financial market turmoil on tax avoidance of companies listed on the Tehran Stock Exchange. Methods in this research is tested by multivariate regression analysis. The statistical population of the present study includes listed companies in the years 2001-2020, which due to the systematic elimination of 110 companies were selected to continue the research. The results indicate that there is a significant negative relationship between financial turmoil and tax avoidance. There is a positive and significant relationship between the current ratio and tax avoidance.

Keywords: Financial Turmoil, Tax Avoidance, Tehran Stock Exchange

* Corresponding author: Assistant Professor, Faculty of Economics, Kharazmi University, Tehran, Iran

** Master's student in Islamic finance, Khwarazmi University, Tehran, Iran

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the

Creative Commons Attribution Non-Commercial (CC-BY-NC) license.



تأثیر آشفته‌گی مالی بر اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

حامد تاجمیر ریاحی^{id}، زهرا اسدی^{id} **

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴

چکیده

شرکت‌ها در طول دوره حیات خود با نوسان‌های مختلفی روبرو می‌شوند که باعث آشفته‌گی مالی در فرایند کسب و کار آن‌ها خواهد شد. یکی از اولین راهکارهای برون‌رفت از این آشفته‌گی، کاهش هزینه‌های مختلف از جمله مالیات است. شرکت‌های در مانده مالی تمایل بیشتری به اجتناب مالیاتی دارند. هدف تحقیق حاضر بررسی تأثیر آشفته‌گی‌های بازار مالی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. روش آزمون این تحقیق روش تحلیل رگرسیون چندمتغیره است. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل شرکت‌های بورسی در سال‌های بین ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹ می‌باشد که با توجه به حذف سیستماتیک، تعداد ۱۱۰ شرکت جهت ادامه تحقیقات انتخاب شدند. نتایج حاکی از آن است که بین آشفته‌گی مالی و اجتناب از مالیات رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بین نسبت جاری و اجتناب از مالیات رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: آشفته‌گی بازار مالی؛ اجتناب از مالیات؛ بورس اوراق بهادار تهران.

Hamedtajmir@gmail.com

* نویسنده مسئول: استادیار، دانشکده اقتصاد، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

Ghasadi.076@gmail.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مالی اسلامی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

این مقاله یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت شرایط و ضوابط مجوز (CC BY-NC) Creative Commons Attribution Non-Commercial

Commercial



توزیع شده است.

مقدمه

آشفته‌گی مالی را به‌عنوان کاهش قدرت سودآوری شرکت تعریف کرده‌اند که احتمال عدم توانایی بازپرداخت بهره و اصل بدهی را افزایش می‌دهد. می‌توان در ماندگی مالی را وضعیتی در نظر گرفت که در آن جریان‌های نقدی شرکت از مجموع هزینه‌های بهره مربوط به بدهی‌های بلندمدت کمتر است. در حوزه مالی، یک شرکت زمانی در مانده مالی تلقی می‌شود که در ایفای تعهدات به اعتباردهندگان دچار مشکل شود. بدهی‌های یک شرکت ممکن است برای تأمین مالی عملیات آن استفاده شود، اما با این کار بیشتر در معرض خطر تجربه در ماندگی مالی قرار می‌گیرد. از طرفی اجتناب مالیاتی فرایندی است که از طریق آن شرکت‌ها اقدام به کاهش پرداخت‌های ناشی از مالیات بر درآمد به سازمان مالیاتی می‌کنند (ناظمی و همکاران، ۱۳۹۷).

با توجه به آنکه یکی از اهداف اصلی مدیران و نمایندگان سهام‌داران در شرکت، حداکثر کردن ثروت سهام‌داران است و سهام‌داران با استفاده از سازوکارهای مختلفی به دنبال تحقیق این موضوع و نظارت بر مدیران هستند، بنابراین، می‌توان انتظار داشت که یکی از انگیزه‌های اصلی اجتناب از پرداخت مالیات توسط مدیران، تحقق هدف حداکثرسازی ثروت سهام‌داران باشد. افزون بر این، در بسیاری از مواردی که طرح‌های پاداش برای مدیران و گردانندگان شرکت در نظر گرفته می‌شود، بخشی از این طرح‌ها مبتنی بر معیارهای عملکرد شرکت هستند (آرمسترانگ و همکاران^۱، ۲۰۱۲). آشفته‌گی مالی در شرکت یکی از دلایل ممکن تغییر حسابرس است که شرکت‌ها ممکن است نخواهند آن را افشا کنند. در شرایطی که سلامت مالی شرکت رو به افول است، شرکت ممکن است به منظور کاهش هزینه حق‌الزحمه حسابرسی یا به منظور به کارگماری حسابرسانی که انعطاف‌پذیری بیشتر یا محافظه‌کاری کمتری در به‌کارگیری استانداردهای حسابداری دارند، تصمیم به تغییر حسابرس بگیرد (فروغی و همکاران، ۱۳۹۷).

اجتناب از پرداخت مالیات مفهومی است که موضوع بسیاری از تحقیقات حقوقی بوده است. اجتناب از پرداخت مالیات شامل استفاده از روش‌های قانونی است که به وسیله مالیات‌دهندگان به

1. Armstrong et al

منظور حداقل کردن میزان مالیات افشاشده انجام می‌شود. فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات منابع را از دولت به سهامداران انتقال می‌دهد و ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد (حیدرپور و نظر طجر، ۱۳۹۷).

تحقیق حاضر به دنبال یافتن پاسخ این سؤال است که آیا بین آشفته‌گی مالی شرکت‌ها و انگیزه آن‌ها برای اقدام به اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد؟ بر همین اساس شرکت‌هایی که از آشفته‌گی مالی بالایی رنج می‌برند، ترجیح می‌دهند تن به اجتناب از پرداخت مالیات دهند؛ لذا این تحقیق در حوزه مدیریت مالی و اقتصادی و با هدف بررسی تأثیر آشفته‌گی‌های بازار مالی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بر اساس تحلیل آماری انجام خواهد شد تا تأثیرات آن بررسی شود. استخراج میزان وابستگی اجتناب از پرداخت مالیات به آشفته‌گی مالی می‌تواند راهگشایی برای سیاست‌گذاران در حوزه مالیات و بازار سرمایه باشد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

درماندگی مالی

در کشورهایی که نظام مالی آن‌ها از ویژگی شکنندگی برخوردار است، عدم ثبات نرخ ارز و عدم توانایی بانک‌ها در پوشش ریسک مربوط به آن، نظام بانکی را در حرکتی خزانده به سمت بحران و ورشکستگی هدایت می‌نماید. تحولات اخیر در سطح کلان اقتصاد کشور از یک سو و تحولات جاری در بازار سرمایه از سوی دیگر تغییرات مورد انتظاری را به دنبال دارد که نیازمند اعمال مدیریت در شرایط تغییر می‌باشد. بحران مالی در دنیا، بحران مالی در مؤسسات مالی بین‌المللی و مشکلات حاکمیت شرکتی و عدم اطمینان سرمایه‌گذاران، نوسانات نرخ ارز، آشفته‌گی شرکت‌های فعال در منطقه، تردید در سپرده‌گذاری در بانک‌ها و مؤسسات مالی، اختلال در اقتصاد ملی و بیکاری را به همراه داشته است (ریچاردسن^۱، ۲۰۱۵).

بسیاری از مطالعات صورت گرفته عدم استقرار حاکمیت شرکتی مناسب در سطح خرد و

1. Richardson

کلان اقتصاد کشور را یکی از مهم‌ترین دلایل بروز بحران در این کشورها شناخته‌اند و به همین دلیل بهسازی و ترمیم ساختار حاکمیت شرکتی در این کشورها را به‌عنوان مهمترین برنامه اجتناب از وقوع بحران معرفی نموده‌اند. بر این اساس صندوق بین‌المللی برنامه‌های جامعی در کشورهای کره، اندونزی، تایلند و در بسیاری دیگر از کشورها به اجرا گذاشته شده است که در این برنامه‌ها به طرح موضوعاتی همچون معیارهای حاکمیت شرکتی و تجدید ساختار حاکمیت شرکتی پرداخته شده است (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۴). آشفته‌گی مالی هم برای اعتباردهندگان و هم برای سهامداران هزینه‌بر است، زیرا زمانی که شرکت دچار آشفته‌گی مالی شود، به‌صورت بالقوه این ریسک وجود دارد که تمام سرمایه سهام‌داران از بین برود. با وجود اینکه در زمان ورشکستگی و انحلال شرکت‌ها و پس از پرداخت بدهی‌ها به اعتباردهندگان، سهامداران می‌توانند سهم خود را از شرکت دریافت کنند اما در بسیاری مواقع سرمایه باقیمانده به‌ندرت جوابگوی بدهی اعتباردهندگان است (کرابری^۱، ۲۰۱۴).

اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند با تأثیر غیرمستقیم بر روی جریان نقدی مورد انتظار آینده شرکت سبب کاهش هزینه سرمایه شود. ذخیره کردن وجه نقد، هدف اصلی برنامه‌ریزی جهت اجتناب مالیاتی است. جریان نقد ذخیره شده به واسطه اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند به‌عنوان جریان نقدی تلقی شود که به‌جای پرداخت به مأموران مالیاتی برای خود شرکت ضبط و استفاده می‌شود. هر ریال ذخیره شده به واسطه پرداخت کمتر مالیات، می‌تواند در شرکت برای مصارف مولد دیگر به کار گرفته شود؛ بنابراین به افزایش جریان نقد مورد انتظار و کاهش هزینه سرمایه شرکت منجر می‌شود (خانی و همکاران، ۱۳۹۲).

بدتر شدن شرایط اقتصادی و مالی، شرکت‌هایی را که با خطر ورشکستگی مواجه‌اند بیشتر تهدید می‌کند. در واقع اگر هزینه‌های بالقوه ورشکستگی به اندازه کافی بالا باشد، شرکت‌ها ممکن است حاضر به دنبال راه‌ها و شیوه‌های اجتناب از پرداخت مالیات تهاجمی بدون در نظر گرفتن خطر ممیزی شدن توسط اداره مالیات حسابرسی شوند (کیم و همکاران^۲، ۲۰۱۹).

1. Crabtre
2. Kim et al

آشفته‌گی مالی یا درماندگی مالی این گونه تعریف می‌شود که هرگاه نرخ بازده تحقق‌یافته برای سرمایه به کاررفته در بنگاه، به صورت معنادار و مداوم کمتر از نرخ بازده مورد انتظار باشد درماندگی مالی روی داده است (آلتمن و هاتچکیس^۱، ۲۰۰۶). آلتمن (۱۹۶۸)، نخستین فردی است که مدل‌های پیش‌بینی چندمتغیره را ارائه کرد. وی با به‌کارگیری روش تحلیل تمایزی چندگانه و استفاده از نسبت‌های مالی به‌عنوان متغیرهای مستقل به دنبال پیش‌بینی ورشکستگی بنگاه‌ها بود. در یکی از مطالعات دانشگاهی روی آشفته‌گی مالی، آن را به‌عنوان کاهش قدرت سودآوری شرکت تعریف کرده‌اند که احتمال عدم توانایی بازپرداخت بهره و اصل بدهی را افزایش می‌دهد. ویتاکر^۲ (۱۹۹۹) درماندگی مالی را وضعیتی در نظر می‌گیرد که در آن جریان‌های نقدی شرکت از مجموع هزینه‌های بهره مربوط به بدهی‌های بلندمدت کمتر است. در حوزه مالی، یک شرکت زمانی درمانده مالی تلقی می‌شود که در ایفای تعهدات به اعتباردهندگان، دچار مشکل شود. بدهی‌های یک شرکت ممکن است برای تأمین مالی عملیات آن استفاده شود، اما با این کار بیشتر در معرض خطر تجربه درماندگی مالی قرار می‌گیرد (کردستانی و همکاران، ۱۳۹۳). در واقع آشفته‌گی مالی وضعیتی است که شرکت‌ها برای برآوردن تعهدهای مالی، جریان نقد کافی در اختیار ندارند (اوتچوا^۳، ۲۰۰۷). درماندگی و آشفته‌گی مالی شرکت‌ها همواره به‌عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی اعتباردهندگان، سرمایه‌گذاران و دولت‌ها مطرح بوده، به‌نحوی که تشخیص به موقع شرکت‌هایی که در شرف درماندگی مالی قرار دارند، می‌تواند تا حدودی از بروز زیان‌های احتمالی ذی‌نفعان جلوگیری کند (مشایخی و گنجی، ۱۳۹۳).

در حوزه مالی، یک شرکت زمانی درمانده مالی تلقی می‌شود که در ایفای تعهدات به اعتباردهندگان، دچار مشکل شود. بدهی‌های یک شرکت ممکن است برای تأمین مالی عملیات آن استفاده شود اما با این کار بیشتر در معرض خطر تجربه درماندگی مالی قرار می‌گیرد. از طرفی

1. Altman and Hotchkiss
2. Whittaker
3. Otchoa

اجتناب مالیاتی فرآیندی است که از طریق آن شرکت‌ها اقدام به کاهش پرداخت‌های ناشی از مالیات بر درآمد به سازمان مالیاتی می‌کنند. پرداخت مالیات منجر به کاهش سود و وجوه نقد باقیمانده برای سایر ذی‌نفعان شرکت از جمله سهامداران می‌شود. از این رو به‌طور طبیعی این انگیزه وجود دارد تا شرکت و سهامداران اقداماتی را جهت اجتناب از پرداخت مالیات انجام دهند.

اجتناب از مالیات

اجتناب مالیاتی یکی از بخش‌های یکپارچه استراتژی‌های مدیریت سرمایه شرکت‌ها می‌باشد (دیزای و دارماپالا^۱، ۲۰۱۶) که شامل تنظیم و تفاوت در قوانین مالیاتی جهت کاهش مبالغ مالیات پرداختنی است (آیرس و همکاران^۲، ۲۰۱۹). از آنجایی که مالیات شرکت‌ها بخش اعظمی از هزینه‌های یک شرکت را تشکیل می‌دهد بنابراین مدیران این انگیزه را دارند تا به گسترش استراتژی‌های مربوط به کاهش مالیات پرداختی با توجه به نیازهای سرمایه شرکت بپردازند. برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های اجتناب مالیاتی جهت کاهش هزینه مالیات یکی از استراتژی‌های بالقوه مدیریت زمان در رویارویی با در ماندگی مالی به شمار می‌رود. به‌طور کلی شرکت‌هایی که دچار در ماندگی مالی هستند نقدینگی کمتری برای نرخ‌های مالیاتی دارند در نتیجه رابطه معناداری بین در ماندگی مالی و اجتناب از مالیات وجود دارد (ادوارد و همکاران^۳، ۲۰۱۵).

همچنان که اجتناب مالیاتی می‌تواند ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش دهد، از سوی دیگر، به دلیل تضاد منافع بین مدیران و سهامداران، می‌تواند در فعالیت‌های شرکت ابهام ایجاد کرده و زمینه را برای انحراف منافع توسط مدیران مهیا کند که این مسئله در صورت وجود انگیزه‌های پاداشی برای مدیران، می‌تواند کاهش یابد. برنامه‌های اجتناب مالیاتی می‌تواند صرفه-جویی مالیاتی را برای شرکت در پی داشته باشد. با این حال، همواره این احتمال وجود دارد که به سبب برنامه‌ریزی‌های جسورانه مالیاتی که در جهت پنهان کردن حقایق به منظور جلوگیری از کشت توسط مأموران مالیاتی انجام می‌شود، ابهام فعالیت‌های مالی شرکت افزایش یابد (سلطانی-)

1. Desai and Darmapala
2. Ayers
3. Edward et al

پناه و همکاران، ۱۳۹۵).

منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش در جهت کاهش مالیات‌های پرداختی است. در واقع اجتناب از مالیات، نوعی استفاده از خلأهای قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات است (هانلون و همکاران^۱، ۲۰۱۰). اجتناب از مالیات یک فعالیت گریز از مالیات بدون شکستن خطوط قوانین و درون چارچوب قوانین مالیات است (اگراوال^۲، ۲۰۰۷). تفاوت‌های اجتناب مالیاتی با برنامه‌ریزی مالیاتی و فرار از مالیات در جدول ۱ به صورت خلاصه ارائه شده است.

جدول ۱. تفاوت‌های اجتناب مالیاتی با برنامه‌ریزی مالیاتی و فرار از مالیات (اگراوال، ۲۰۰۷: ۹)

تفاوت بین برنامه‌ریزی مالیاتی و اجتناب از مالیات	
هدف برنامه‌ریزی مالیاتی کاهش بدهی مالیاتی طبق قوانین در شکل و محتوا است.	هدف اجتناب از مالیات و کاهش بدهی مالیاتی طبق قوانین در شکل است ولی در محتوا نیست.
برنامه‌ریزی مالیاتی به وسیله به‌کارگیری مزایای ماده‌های مفید در قوانین انجام می‌شود.	اجتناب از مالیات به وسیله به‌کارگیری مزایای روزه و خلأهای موجود در قوانین انجام می‌شود.
در برنامه‌ریزی مالیاتی حسن‌نیت وجود دارد.	در اجتناب از مالیات سوءنیت وجود دارد.
تفاوت بین فرار از مالیات و اجتناب از مالیات	
فرار از مالیات از یک روش غیرقانونی برای کاهش مالیات استفاده می‌کند.	اجتناب از مالیات از یک روش قانونی برای کاهش مالیات استفاده می‌کند.
فرار از مالیات به وسیله به‌کارگیری روش‌های غیرمنصفانه انجام می‌شود.	اجتناب از مالیات به وسیله به‌کارگیری مزایای روزه و خلأهای موجود در قوانین انجام می‌شود.
فرار از مالیات یک روش غیرقانونی است و ممکن است منجر به مجازات شود.	اجتناب از مالیات با سوءنیت همراه است، اما طبق قوانین انجام می‌شود و مجازاتی به دنبال ندارد.
فرار از مالیات یک تقلب آشکار است و بعدازاینکه بدهی مالیاتی افزایش یابد انجام می‌شود.	اجتناب از مالیات مشابه برنامه‌ریزی مالیاتی است و قبل از افزایش بدهی مالیاتی انجام می‌شود.

1. Hanlon et al
2. Agrawal

اجتناب از مالیات اغلب به‌عنوان کاهش مالیات تعریف می‌شود. این تعریف به صورت مفهومی از تعریف دایرننگ و همکاران^۱ (۲۰۰۸) پیروی می‌کند و همه معاملاتی را که روی بدهی مالیاتی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد منعکس می‌کند. تعریف فوق بین فعالیت‌های واقعی که مالیات مطلوب و هدف هستند، فعالیت‌های اجتناب که به‌طور خاص برای کاهش مالیات در نظر گرفته شده‌اند و مزایای مالیاتی موردنظر از فعالیت‌های دارای اعمال نفوذ، تمایزی قائل نمی‌شود. اگر اجتناب از مالیات نشان‌دهنده یک زنجیره از استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی که در آن چیزی شبیه سرمایه‌گذاران اوراق قرضه شهری که در انتها قرار دارند (مالیات پایین‌تر) باشد، پس واژه‌هایی از قبیل عدم رعایت^۲، فرار مالیاتی، پرخاشگری مالیاتی^۳ و پناه مالیاتی^۴ بیشتر از سایر اصطلاحات به انتهای زنجیره نزدیک‌تر خواهند بود. فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی یا استراتژی مالیاتی می‌تواند در هر نقطه‌ای از طول زنجیره با توجه به چگونگی پرخاشگری فعالیت‌ها در جهت کاهش مالیات قرار بگیرد. به‌هرحال، مانند هنر، درجه پرخاشگری (زیبایی) در چشم بیننده است، یعنی افراد مختلف نظرهای مختلفی درباره پرخاشگری معاملات دارند. اغلب از واژه‌های مختلفی برای رفتار گزارشگری مالیاتی استفاده می‌شود (پرخاشگری، پناه، فرار، عدم رعایت و غیره). در این پژوهش، برای کاهش تمرکز بر معنی‌شناسی، از واژه عمومی اجتناب مالیاتی استفاده می‌شود (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰).

عوامل مؤثر بر اجتناب از مالیات

پژوهش‌های متعددی به بررسی رابطه بین ویژگی‌های سطح شرکت و اجتناب از مالیات با استفاده از تعدادی از مقیاس‌های بحث شده در بالا پرداخته‌اند. به عبارتی تفاوت‌های مالیاتی، نرخ مؤثر مالیات، استفاده از پناهگاه مالیاتی و غیره را بررسی نموده‌اند. برای نمونه، گوپتا و نیوبری^۵

1. Dyreng et al
2. Noncompliance
3. Aggressiveness
4. Sheltering
5. Gupta and Newberry

(۱۹۹۷) طیف وسیعی از عوامل نرخ مؤثر مالیات حسابداری را بررسی کردند. ریگو^۱ (۲۰۰۳) شواهدی را نشان داد که عملیات بین‌المللی منجر به فرصت‌های بیشتر اجتناب از مالیات و در نتیجه نرخ مؤثر مالیات حسابداری پایین‌تر، می‌شود. علاوه بر این، شرکت‌های متهم به استفاده از پناهگاه‌های مالیاتی تفاوت مالیات دفتری بزرگ‌تر، عملیات خارجی بیشتر، شرکت‌های تابعه در پناهگاه‌های مالیاتی، نرخ مؤثر مالیات پایین‌تر، خسارات و زیان‌های دعاوی حقوقی بیشتری دارند (ویلسون^۲، ۲۰۰۹).

اگر فعالیت‌های اجتناب ایجاد ارزش می‌کند و انگیزه‌های جبران پاداش منافع مدیران را با سهامداران هم‌سو می‌کند، پس شرکت‌هایی که از مشوق‌های مبتنی بر عملکرد پس از کسر مالیات استفاده می‌کنند باید در اجتناب از مالیات بیشتر درگیر باشند. فیلیپس^۳ (۲۰۰۳) نشان داد که جبران پاداش مدیران واحد کسب و کار بر اساس درآمد پس از کسر مالیات منجر به کاهش نرخ‌های مؤثر مالیات حسابداری و در نتیجه افزایش اجتناب از مالیات می‌شود. دسای و همکاران (۲۰۰۷) با مدل‌سازی اثر جبران پاداش انگیزشی و حاکمیت شرکتی روی اجتناب از مالیات در سطح شرکت، یک ارتباط منفی بین جبران پاداش مبتنی بر حقوق صاحبان سهام و اجتناب از مالیات یافتند (اجتناب مالیاتی توسط تفاوت مالیات دفتری غیرعادی اندازه‌گیری شد). با استفاده از تغییرات مقطعی در آزمون آن‌ها، ارتباط منفی فقط در میان شرکت‌هایی با حقوق سهامداران ضعیف‌تر و مالکیت نهادی پایین‌تر، وجود داشت. اگر مدیران به منظور افزایش انحراف مدیریتی در اجتناب از مالیات شرکت درگیر هستند، پس افزایش مشوق‌های حقوق صاحبان سهام برای هم‌سوایی بیشتر مدیران و سهامداران، انحراف را کاهش می‌دهد که پس از آن اجتناب از مالیات را کاهش خواهد داد (دسای و همکاران، ۲۰۰۷).

درحالی که سیاست مالیاتی در جای خود می‌تواند پیامدهای مهمی برای توسعه الگوهای مالکیت شرکت داشته باشد، الگوهای مالکیت می‌تواند یک اثر مهم روی اجتناب از مالیات داشته

1. Rego
2. Wilson
3. Phillips

باشد (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۸). شرکت‌های با مالکیت متمرکز، مانند شرکت‌های خانوادگی ممکن است از مالیات‌های بیشتری اجتناب کنند، چون کنترل کردن صاحبان سرمایه منفعت بیشتری از صرفه‌جویی (پس‌انداز) دارد. از سوی دیگر، این شرکت‌ها ممکن است کمتر از مالیات اجتناب کنند، زیرا این مالکان متمرکز، افق طولانی‌تر دارند و ممکن است به کل هزینه‌های اجتناب ناشی از عوارض شهرت و اعتبار و بدبینی‌های سهامداران اقلیت حساس‌تر باشند. در کل، شرکت‌های خانوادگی اجتناب مالیاتی کمتری نسبت به شرکت‌های غیرخانوادگی دارند. به این معنی که شرکت‌های متعلق به خانواده متمایل به چشم‌پوشی از مزایای مالیاتی برای جلوگیری از نگرانی‌های سهامداران اقلیت از پوشاندن فعالیت‌های اجتناب از مالیات هستند (اگراوال، ۲۰۰۷).

همان‌طور که در بخش‌های قبلی ذکر شد، یک مسئله مهم و برجسته بر روی اجتناب از مالیات چگونگی اندازه‌گیری اجتناب مالیات و چگونگی تفسیر نتایج، هنگامی که شرکت‌ها در نمونه سطوح مختلف از اهمیت در درآمد حسابداری قرار داده می‌شوند، می‌باشد. اگر شرکت‌های متعلق به خانواده اهمیت کمتری به سود حسابداری دهند، قابل قبول است که آن‌ها کمتر تحت فشار بازار سرمایه باشند. آن‌ها ممکن است به‌طور داوطلبانه به رفتار رعایت قوانین مالیاتی و دفتری؛ یعنی ایجاد یک کسر مالیات و ثبت هزینه حسابداری تمایل داشته باشند. مطالعات اخیر به بررسی اقلام فراتر از ویژگی‌های سطح شرکت و مالکیت پرداخته‌اند. برای مثال، هنگامی که بخش مالیاتی به‌عنوان یک مرکز سود در نظر گرفته شوند نرخ مؤثر مالیات حسابداری پایین‌تر هستند، اما از نرخ مؤثر مالیات نقدی پایین‌تر نیستند (رابینسون و همکاران^۱، ۲۰۱۰).

آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۰) اعتقاد دارند نتایج مشابه با نرخ مؤثر مالیات حسابداری در مقابل با نرخ مؤثر مالیات نقدی در هنگام آزمون مالیات بر قراردادهای جبران پاداش مدیر وجود دارد. علاوه بر این، جدای از ویژگی‌ها و مشوق‌های در سطح شرکت، به نظر می‌رسد که مدیران ارشد اثر قابل توجهی در اجتناب از مالیات با استفاده از هر دو نرخ مؤثر مالیات حسابداری و نرخ مؤثر مالیات‌های نقدی دارند (دایرنگ و همکاران، ۲۰۱۰). در نهایت، اجتناب از مالیات ممکن

است بسیار منحصر به فرد باشد و توسط تعدادی از عوامل و فعل و انفعالات (اثرات متقابل) تعیین شود، نه همه آن‌هایی که می‌توان اندازه‌گیری کرد (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰).

اثرات اجتناب از مالیات

طبق نظر سلیم‌رود (۲۰۱۷)، برخی از پیامدهای اجتناب از مالیات شامل موارد زیر است:

۱. اجتناب از مالیات میزان دخالت دولت در اقتصاد را کاهش می‌دهد: اجتناب از مالیات دولت را با مشکلات مالی روبرو می‌کند زیرا آن‌ها قادر به تأمین مالی کافی برای اداره کشور خود نیستند. فرار از پرداخت مالیات می‌تواند دولت‌ها بودجه کمی برای اجرای سیاست‌های اقتصادی صحیح و بودجه کافی برای تأمین محصولات و خدمات ضروری به شهروندان خود نداشته باشد (پیرتیلّا، ۲۰۱۳).
۲. اجتناب از مالیات بار مالیاتی را دوباره توزیع می‌کند (یامامورا^۲، ۲۰۱۴).
۳. اجتناب از مالیات بر هزینه‌های افزایش مالیات تأثیر می‌گذارد.
۴. دشواری تأمین بودجه دولت: این امر منجر به کسری مالی می‌شود و به کشوری کمک می‌کند که از سایر کشورها و یا مؤسسات مالی مانند صندوق بین‌المللی پول (صندوق بین‌المللی پول) وام بپردازد که این امر فشار بیشتری بر اقتصاد شکننده وارد می‌کند (غوش، ۲۰۱۲).

درماندگی مالی و اجتناب از مالیات

بحث اجتناب مالیاتی بیشتر در مورد شرکت‌هایی که موضوع جدایی مالکیت از کنترل در آن مطرح است عنوان می‌شود، زیرا افراد حقیقی به خاطر وجود احتمال کشف و جریمه شدن و ریسک‌گریزی و یا انگیزه‌های درونی مثل وظیفه‌ی اجتماعی، کمتر درگیر فرار و اجتناب مالیاتی می‌شوند (الینگهام و سندمو^۳، ۱۹۷۲)؛ ولی در شرکت‌ها به‌طور معمول، سهامداران انتظار دارند که مدیران به دنبال منافع شخصی خود باشند و تا مادامی که منافع اضافی حاصل از کاهش بدهی‌های

1. Pirttila
2. Yamamura
3. Allingham and Sandmo

احتمالی بیشتر از هزینه‌های اضافی مورد انتظار برای آن‌ها باشد، به دنبال کاهش بدهی‌های مالیاتی و افزایش اجتناب مالیاتی هستند؛ بنابراین، اجتناب مالیاتی می‌تواند انعکاسی از نظریه نمایندگی باشد و ممکن است منجر به تصمیمات مالیاتی شود که منافع شخصی مدیر را دنبال کند. از این رو، یکی از چالش‌های پیش روی سهامداران و هیئت مدیره، یافتن روش‌ها و انگیزه‌های کنترلی است تا هزینه‌های نمایندگی را به حداقل برسانند (جنسن و مک‌لینگ^۱، ۱۹۷۶).

دسای و همکاران^۲ (۲۰۰۷) معتقدند مدیرانی که به دنبال منافع شخصی خود هستند ساختار شرکت را پیچیده‌تر کرده و معاملاتی را که باعث کاهش مالیات می‌شود، انجام می‌دهند و از این طریق منابع شرکت را در جهت منافع شخصی خود به کار می‌گیرند. آن‌ها معتقدند که وجود مأموران مالیاتی قوی باعث افزایش نظارت بر کار مدیران و کاهش سوءاستفاده از منابع داخلی شرکت‌ها می‌شود. نکته دیگری که توسط دسای و همکاران (۲۰۰۷) مطرح شد این است که نحوه حاکمیت و رهبری شرکت‌ها بر روی سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تأثیرگذار است. آن‌ها معتقدند اجتناب مالیاتی در شرکت‌هایی که دارای نظام حاکمیتی قوی هستند، باعث افزایش ارزش شرکت می‌شود. همچنین آن‌ها به این نتیجه رسیدند که با توجه به وجود مسئله رابطه نمایندگی بین مدیر و سهامداران، این دیدگاه که اجتناب مالیاتی باعث افزایش انتقال منافع از دولت به سهامداران می‌شود، نمی‌تواند به‌طور کامل صحیح باشد. حاکمیت شرکتی ضعیف باعث افزایش در سطح اجتناب مالیاتی می‌شود. سهامداران با ریسک خنثی انتظار دارند که مدیران به نمایندگی از آن‌ها روی حداکثرسازی تمرکز کنند که شامل فرصت‌هایی برای کاهش بدهی مالیاتی می‌شود، به گونه‌ای که منافع اضافی آن بیشتر از مخارج اضافی آن باشد؛ بنابراین، اجتناب مالیاتی انعکاسی از مسئله نمایندگی است. به هر حال، جدایی مالکیت از کنترل می‌تواند به تصمیمات مالیاتی شرکت منجر شود که منافع شخصی مدیران را منعکس می‌کند. از این رو، چالش سهامداران و هیئت مدیران، یافتن ترکیبی از مکانیسم‌ها و انگیزه‌هایی برای کاهش هزینه‌های نمایندگی است (جنسن و مک‌لینگ^۱، ۱۹۷۶). اکثر پژوهش‌های گذشته، تصمیمات گزارشگری

1. Jensen and Meckling
2. Desai et al

مالیاتی را بدون توجه به مسئله نمایندگی در نظر گرفتند. جدایی مالکیت از کنترل دلالت بر این دارد که اگر اجتناب مالیاتی یک فعالیت ارزشمند است پس مالکان باید انگیزه‌های مناسبی برای اطمینان از تصمیمات مالیاتی کارای مدیران ایجاد نمایند. مالیات کارا یعنی تصمیمات و معاملاتی که منافع مالیاتی آن بیشتر از هزینه آن باشد (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰).

پژوهش‌های دیگر در این زمینه بیان می‌کنند که به علت پیچیدگی محاسبات مربوط به مالیات، هزینه مالیات گزینه‌ای بسیار مناسب و غیرقابل کشف برای مدیریت سود است (دالیوال و همکاران^۱، ۲۰۰۴). دالیوال و همکاران (۲۰۰۴) معتقدند از آنجایی که در برآورد هزینه مالیات، اقلام اختیاری مثل ارزشیابی ذخایر و سودهای تقسیم‌نشده تأثیر گذارند و همچنین به دلیل وجود عواملی مثل معافیت‌های مالیاتی، مشوق‌های مالیاتی مربوط به صادرات، برآورد ارزش سرقفلی و نحوه استهلاک آن و وجود قوانین متعدد مالیاتی و پیچیدگی‌های مربوطه، استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی را در تفسیر هزینه مالیات دچار مشکل می‌کند. در این زمینه، حساب‌برسان با کمک و یاری بخش‌ها و دوایر مالیاتی خود می‌توانند منطق و درستی اقلام منظور شده در برآورد مالیات را نسبت به سهامداران و تحلیلگران بهتر ارزیابی کنند، زیرا حساب‌برسان متخصص مالیاتی، دارای دانش و اطلاعات کافی در مورد چگونگی استفاده شرکت‌ها از هزینه مالیات برای اجتناب مالیاتی هستند؛ بنابراین، تخصص حساب‌برس می‌تواند عامل مهمی در تعیین سطح اجتناب مالیاتی محسوب شود. علی‌رغم این، مدیران زمانی روش‌های انتخاب شده برای اهداف مالیاتی را برای گزارشگری مالی و بالعکس، به کار می‌برند که منافع این کار، بیشتر از هزینه‌های آن باشد. از جمله منافع این کار، اجتناب از رسیدگی‌های اضافی و جرائم احتمالی از طرف سازمان مالیاتی خواهد بود. این همخوانی رویه‌ها ممکن است هزینه‌های غیرمالیاتی نیز در برداشته باشد، به‌عنوان نمونه، به‌کارگیری روش اولین صادره از اولین وارده (FIFO) برای موجودی‌ها ممکن است منجر به کمتر نشان دادن سود و در نتیجه، مالیات موردنظر شود که مزیت یا منافع این امر، نگهداری وجه نقد بیشتر برای شرکت خواهد شد؛ اما در مقابل، سود کمتر از دیدگاه اعتباردهندگان شرکت

ممکن است هزینه بهره بالاتری را برای شرکت به دنبال داشته باشد (کلوید^۱، ۱۹۹۶). نتیجه به کارگیری و مدنظر قرار دادن منافع و هزینه‌های مذکور از طرف مدیریت، منجر به تفاوت بین سود قبل از مالیات گزارش شده در صورت سود و زیان و سود مشمول مالیات (تفاوت مالیات دفتری) خواهد شد (میلز و همکاران^۲، ۲۰۰۱)؛ بنابراین، نحوه برآورد سود مشمول مالیات یا به عبارت دقیق‌تر، تفاوت دفتری مالیات و پرداخت‌های مالیاتی از جمله عوامل بسیار مهمی هستند که می‌توان از طریق آن اجتناب مالیاتی را اندازه‌گیری نمود؛ اما از آنجایی که اظهارنامه‌های مالیاتی، به‌طور عمده، در دسترس نیستند ولیکن چون نتیجه محاسباتی آن‌ها، از جمله هزینه مالیات، بدهی مالیاتی، در صورت‌های مالی ارائه می‌گردند، بنابراین، صورت‌های مالی از جمله بهترین منبع برای دستیابی به معیارهای اجتناب مالیاتی خواهند بود. استخراج اطلاعات در مورد مالیات از صورت‌های مالی نیز دشوار است (هانلون و همکاران، ۲۰۱۰)، زیرا در صورت‌های مالی به اندازه کافی در مورد سود مشمول مالیات و یا پرداخت‌های نقدی مالیات اطلاعات افشا نمی‌شود (مک‌گیل و اوتسلی^۳، ۲۰۰۴؛ هانلون^۴، ۲۰۰۳).

اجتناب از مالیات عدم پرداخت غیرقانونی و عمدی مالیات یا پرداخت غیرقانونی مالیات است (آلم، ۲۰۱۵). برخی از نمونه‌های طرح‌های اجتناب از مالیات شامل دست‌کم گرفتن درآمد، بیش‌ازحد تخفیف و جعل سوابق مالی است. از طرف دیگر، اجتناب از مالیات استفاده از روش‌های قانونی برای کاهش مسئولیت مالیاتی شخص است (دسای و دهارماپالا، ۲۰۱۹). نمونه‌هایی از طرح‌های اجتناب از مالیات شامل هدایت مجدد درآمد، به تعویق انداختن درآمد و تغییر درآمد است. برای درک کامل اجتناب از مالیات، ابتدا باید بدانید که چرا دولت‌ها به پرداخت مالیات نیاز دارند. درآمد حاصل از مالیات برای عملکرد دولت مدرن اساسی است، بدون آن‌ها دولت‌ها نمی‌توانند عملکردهای اداری یا توزیع مجدد آن را انجام دهند (سیکا و ویلموت^۵، ۲۰۱۷). دولت‌های

1. Cloyd
2. Mills et al
3. McGill and Outsly
4. Hanlon
5. Sikka and Willmott

مدرن برای تأمین هزینه‌های سرمایه و تأمین بودجه محدود خود هر ساله به درآمد مالیات اعتماد می‌کنند. به همین دلایل، دولت‌ها از مأموران / مقامات مالیاتی برای جمع‌آوری مالیات از طرف دولت از شرکت‌ها و اشخاصی که منبع درآمد مشخصی دارند استفاده می‌کنند.

هیچ دولتی نمی‌تواند به‌عنوان یک احساس اخلاقی وظیفه، سیستم مالیاتی را اعلام کند و سپس برای پرداخت اظهارنامه مالیاتی به مؤدیان متکی باشد. این بدان دلیل است که برخی از افراد باتجربه بدون شک مالیاتی را که بدهکار هستند می‌پردازند، اما بسیاری دیگر پرداخت نمی‌کنند (سلیم‌رود^۱، ۲۰۱۷). بعلاوه، درحالی‌که برخی از مردم مالیات را آن‌طور که باید قانونی می‌پردازند، اما میزان کامل تعهد مالیاتی خود را پرداخت نمی‌کنند؛ و این رفتار در بسیاری از موارد، مورد توجه قرار نمی‌گیرد. افراد ثروتمند می‌توانند برای جلوگیری از استفاده بیشتر از بودجه، از پرداخت مالیات اجتناب کنند درحالی‌که افراد متوسط می‌توانند از اعتبارات مالیاتی قابل استرداد خود سو استفاده کنند یا از وضعیت «خوداشتغالی» برای جلوگیری از پرداخت مالیات‌های هنگفت استفاده کنند؛ و این مسئله نشان می‌دهد تمایل به اجتناب از مالیات محدود به طبقه درآمدی نیست. هر فردی، صرف‌نظر از طبقه ثروت، می‌تواند از پرداختن مالیات اجتناب کند. شرکت‌های بزرگ همچنین می‌توانند با جابجایی سود، از مالیات فرار کنند (هافلر و شیلدرپ^۲، ۲۰۱۰)، فرسایش پایه مالیات، انتقال عملیات به کشورها یا شهرهایی که به‌عنوان «پناهگاه‌های مالیاتی» شناخته می‌شوند، یا می‌توانند سرمایه‌های خود را به سرمایه‌گذاری‌های خارج از کشور هدایت کنند که در این صورت مشمول مالیات در کشور داخلی، نخواهند شد.

به دلیل بار مالیاتی بیش‌ازحد برای مؤدی، ممکن است تنش‌هایی بین تمایل دولت برای گرفتن مالیات و تمایل مؤدی برای پرداخت وجود داشته باشد و شواهد مستندی وجود دارد که در آن این تنش‌ها اجتناب از مالیات را تشویق کرده و حتی منجر به شورش و انقلاب شده است. بار مالیاتی یا مبلغ مالیاتی که باید پرداخت شود، ممکن است برای افراد و شرکت‌هایی که مایل‌اند در صورت امکان راه‌های کاهش بار مالیاتی یا مسئولیت مالیاتی خود را از طریق اجتناب از پرداخت

1. Slemrod
2. Hauffer and Schjelderup

مالیات پیدا کنند، بیش از حد باشد (سلیم‌رود، ۲۰۱۷).

پیشینه پژوهش

بیلادی و همکاران^۱ (۲۰۲۰) به بررسی اینکه آیا رفتار اجتناب از مالیات بر قراردادهای وام بانکی برای شرکت‌های ذکر شده در چین تأثیر دارد؟ پرداختند. این تحقیق، با استفاده از داده‌های شرکت‌های ذکر شده در چین انجام شده است و آن‌ها دریافتند که اجتناب از مالیات ارتباط مثبتی با وام‌های بانکی و هزینه‌های وام دارد، اما با شرایط وام ارتباط منفی دارد و این نشان می‌دهد که بانک‌های چینی هزینه‌های مالی شرکت‌های اجتناب‌کننده مالیات را افزایش داده‌اند. ایزاوا^۲ (۲۰۲۰) به بررسی تغییر ساختاری شرکت‌ها برای اجتناب از مالیات پرداخت. این مطالعه تأثیر واقعی مالیات مضاعف بین‌المللی را بر مدیریت شرکت‌های چندملیتی انگلیس بین جنگ‌های جهانی اول و دوم نشان می‌دهد. با این حال تأثیرات آن بر مدیریت آن‌ها یکسان نبود. گال و همکاران^۳ (۲۰۲۰) به بررسی تملک مدیریتی و اجتناب از مالیات شرکت‌ها پرداختند. هدف این مقاله بررسی این موضوع است که آیا مالک - مدیران شرکت‌ها نیز در جلوگیری از پرداخت مالیات شرکت‌ها مشارکت دارند یا خیر؟ با استفاده از نمونه مشاهدات ایالات متحده، آن‌ها دریافتند که از نظر آماری ارتباط معناداری بین تصمیمات خرید شرکت و جلوگیری از مالیات شرکت‌ها وجود دارد. این یافته در یک سری آزمایش‌ها حساسیت از جمله کنترل دخالت مدیرعامل در سهام‌های بزرگ بسیار قوی است. یافته‌های حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که مدیران بنگاه‌هایی که در مدت زمان کوتاهی در رابطه با به حداکثر رساندن قیمت سهام سهامداران با استفاده از فعالیت‌های ادغام و تصاحب تصمیم‌گیری می‌کنند نیز درگیر اجتناب از مالیات هستند.

علیزاده طهبازی و رضازاده (۱۴۰۰) به بررسی اهمیت کیفیت محیط اطلاعات داخلی در

1. Beladi et al
2. Izawa
3. Gul et al

اجتناب از مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این تحقیق رابطه اجتناب مالیاتی با کیفیت محیط اطلاعات داخلی که خود متأثر از چهار عامل سرعت اعلام سود، دقت پیش‌بینی سود توسط مدیریت، نبود کنترل‌های داخلی و عدم تهیه گزارش مجدد (تجدید ارائه) بررسی می‌شود و معناداری روابط تأیید می‌شود. رحیمی و فروغی (۱۳۹۹) به بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر کارایی سرمایه‌گذاری پرداختند. به منظور اندازه‌گیری اجتناب از پرداخت مالیات از شاخص نرخ مؤثر مالیاتی نقدی و برای اندازه‌گیری کارایی سرمایه‌گذاری از الگوی ریچاردسون (۲۰۰۶) استفاده شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، افزایش اجتناب از پرداخت مالیات، کارایی سرمایه‌گذاری شرکت را کاهش می‌دهد. محمدبیگی (۱۳۹۹) تحقیقی با عنوان بررسی تأثیر افشای اختیاری بر اجتناب از پرداخت مالیات در سودآوری شرکت‌ها انجام داد که هدف آن بررسی تأثیر افشای اختیاری بر اجتناب از مالیات است. برای سنجش رابطه بین متغیرها از مدل رگرسیونی و برای تجزیه و تحلیل مدل از نرم‌افزار آماری (R) استفاده شده است، برای برازش مدل به متغیرها از روش PGLM و GLS استفاده شده است، نتایج پژوهش حاکی از آن بود که افشای اختیاری بر اجتناب از پرداخت مالیات تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. تحقیق‌های ارائه شده به بررسی تأثیر متغیرهای مختلف بر اجتناب از پرداخت مالیات پرداخته است که از این منظر همسو با تحقیق حاضر هستند. همان‌گونه که در پیشینه تحقیق بیان شد شرکت‌هایی که از آشفته‌گی مالی بالایی رنج می‌برند، ترجیح می‌دهند تن به اجتناب از پرداخت مالیات دهند (محمدبیگی، ۱۳۹۹)؛ لذا این تحقیق در حوزه مدیریت مالی و اقتصادی و با هدف بررسی تأثیر آشفته‌گی‌های بازار مالی بر اجتناب از مالیات شرکت‌ها در بنگاه‌های منتخب بورس اوراق بهادار تهران انجام خواهد شد تا تأثیرات آن بررسی شود.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری تحقیق از شرکت‌های منتخب بورس اوراق بهادار تهران تشکیل شده و قلمرو زمانی تحقیق به صورت یک دوره بیست‌ساله از سال ۱۳۸۰-۱۳۹۹ تعریف شده است. همچنین، نمونه آماری به روش حذفی و با در نظر گرفتن معیارهای چهارگانه زیر انتخاب شده است:

۱. تا قبل از سال ۱۳۸۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
۲. پایان سال مالی آن‌ها ۲۹ اسفندماه باشد.
۳. اطلاعات آن‌ها در دسترس باشد.
۴. جزو بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ، بانک‌ها و لیزینگ‌ها) نباشند.

بر اساس شرایط فوق و از مجموع شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، ۱۱۰ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۰ الی ۱۳۹۹ انتخاب گردیدند. داده‌های موردنیاز در مورد شرکت‌ها از سامانه جامع اطلاع‌رسانی ناشران (کدال) جمع‌آوری گردیده است. جهت آزمون از نرم‌افزار Eviews استفاده شده است.

مدل و متغیرهای تحقیق

مدل تحقیق به شرح زیر است:

$$\text{tax} = \alpha + \beta_1 \text{ash} + \beta_2 \text{cu} + \beta_3 \text{en} + \beta_4 \text{li} + \varepsilon$$

tax: نرخ مؤثر مالیاتی که در قالب متغیر اجتناب از مالیات در تحقیق وارد شده است که از تقسیم مالیات بر درآمد بر سود قبل از کسر مالیات به دست آمده است

ash: تغییرات سود ناویژه که به‌عنوان متغیر نشان‌دهنده آشفستگی مالی در تحقیق آورده شده است و به‌صورت تغییرات سود ناویژه در ابتدای دوره و انتهای دوره در نظر گرفته شده است.

cu: نسبت جاری که به‌عنوان متغیر نشان‌دهنده جریان نقد در تحقیق آورده شده است که از تقسیم دارایی جاری هر شرکت بر بدهی جاری آن به دست می‌آید.

en: نسبت آنی که به‌عنوان متغیر نشان‌دهنده جریان نقد در تحقیق آورده شده است. نسبت آنی از تقسیم دارایی‌های جاری منهای موجودی‌ها بر بدهی‌های جاری به دست می‌آید.

li: نسبت گردش نقدی که به‌عنوان متغیر نشان‌دهنده جریان نقد در تحقیق آورده شده است. گردش نقدی به‌صورت دریافت‌های نقدی منهای پرداخت‌های نقدی تعریف می‌شود و نسبت آن حاصل تقسیم گردش نقدی بر بدهی‌های جاری است (ریچاردسون و همکاران، ۲۰۱۵).

روش مورد استفاده در این پژوهش، روش داده‌های تابلویی می‌باشد. این روش یکی از موضوعات کاربردی در اقتصادسنجی می‌باشد و چندین کشور، بنگاه، خانوار و... را در طول زمان مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. در خصوص متغیرهای کنترلی عمده متغیر مطرح تورم است که با توجه به اینکه متغیر تورم هم بر متغیرهای مستقل اثرگذار است و هم بر متغیرهای وابسته؛ لذا می‌توان فرض کرد که اثر این متغیر از دو طرف معادله حذف خواهد شد.

سؤال اصلی تحقیق

همان‌گونه که بیان شد سؤال اصلی تحقیق حاضر بررسی تأثیر آشفنگی مالی بر اجتناب از مالیات در شرکت‌های بورسی است که می‌توان سؤال را به صورت زیر مطرح کرد: آیا آشفنگی مالی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر می‌گذارد؟ فرضیه اصلی تحقیق با توجه بررسی اولیه محقق و تحقیقات مشابه در کشورهای دیگر همان‌گونه که در پیشینه تحقیق آمده است وجود رابطه معنادار بین آشفنگی مالی و اجتناب از مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

یافته‌های پژوهش

در ابتدای بیان یافته‌های پژوهش به جدول آمار توصیفی پرداخته شده است. در جدول ۲ مهم‌ترین موارد آمار توصیفی از جمله میانگین، واریانس و چولگی داده‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۲. آمار توصیفی

عنوان	tax نرخ مؤثر مالیاتی	ash تغییرات سود ناویژه	cu نسبت جاری	en نسبت آنی	Li نسبت گردش نقدی
میانگین	۰/۱۵۲	۶۹۷۲۸۴/۵	۱/۳۶۰	۰/۸۵۲	۱/۲۸۵
میانه	۰/۱۴۱	۱۷۷۳۴۸/۰	۱/۲۳۷	-۰/۷۷۸	-۰/۲۲۴
حداکثر مقداری	۱۴/۳۶۵	۷۴۳۲۸۱۳۱	۵/۰۵۹	-۳/۹۷۲	۱۶۱۸/۷۱۲
حداقل مقداری	-۵/۹۴۷	-۱۱۶۸۹/۰۰	-۰/۱۶۷	۰/۰۹۲	-۲۲۳/۸۰۱
انحراف معیار	۰/۵۷۹	۲۹/۸۵۵	۰/۶۳۸	۰/۵۰۲	۴۳/۷۵۰
چولگی	۱۶/۰۲۲	۱۷/۶۳۳	۱/۸۵۵	۲/۱۰۷	۳۶/۰۲۳
کشدگی	۳۶۵/۵۷۲	۳۸۵/۹۷۷	۸/۷۹۶	۱۰/۷۳۶	۱۳۳۶/۶۳۱

بررسی نرمال بودن متغیرهای تحقیق

یکی از مهم‌ترین فرضیات رگرسیونی، نرمال بودن باقیمانده‌های مدل است. نرمال بودن متغیرهای وابسته به نرمال بودن باقی‌مانده‌های مدل (تفاوت مقادیر برآوردی از مقادیر واقعی) می‌انجامد. پس لازم است نرمال بودن متغیر وابسته قبل از برآورد پارامترها کنترل شود. با استفاده از تعاریف فوق، جاک - برا (۱۹۸۱) آماره زیر تعریف می‌شود:

$$JB = T \left(\frac{(m_3)^2}{6} + \frac{(m_4 - 3)^2}{24} \right)$$

که در آن T اندازه نمونه است. آماره JB دارای توزیع مجانبی به صورت $\chi^2(2)$ می‌باشد.

جدول ۳. مقادیر آماره جارک برا

Tax	Ash	Cu	En	Li	نام متغیر
نرخ مؤثر مالیاتی	تغییرات سود ناویژه	نسبت جاری	نسبت آنی	نسبت گردش نقدی	
۷۷۲۸۳۵۰	۸۶۲۸۳۸۵	۲۷۶۳/۱۵۴	۴۵۲۷/۶۴۸	۸۵۲۴۳/۲۱	آماره جارک برا
۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	مقادیر P-Value

همان‌طور که در جدول ۳ دیده می‌شود متغیرها از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند و بر اساس تحلیل‌های آماری باید آزمون‌های مبتنی بر مدل‌های غیر نرمال در داده‌های پنل از جمله پایایی متغیرها و آزمون ریشه واحد جهت تأیید مدل انجام شود.

آزمون پایایی متغیرها

وقتی تعداد مشاهدات سری زمانی در هر کدام از مقاطع زیاد باشد، می‌توان تحلیل پایایی (وجود ریشه واحد) را برای هر کدام از مقاطع مورد بررسی قرار داد؛ اما قدرت آزمون ریشه واحد هنگامی که طول دوره داده‌ها کم است بسیار پایین می‌باشد. در این شرایط استفاده از آزمون ریشه واحد مبتنی بر داده‌های تابلویی برای افزایش قدرت آزمون‌ها ضروری است. یکی از روش‌هایی که برای رفع این مشکل پیشنهاد شده، استفاده از داده‌های تابلویی برای افزایش حجم نمونه و آزمون ریشه واحد در داده‌های تابلویی است.

جدول ۴. نتایج آزمون پایایی ریشه واحد panel

نتیجه آزمون	P-Value	Statistic	متغیر
در سطح با عرض از مبدأ مانا می‌باشد.	۰/۰۰۰۰	-۲۴/۱۴۸۴	Tax
با یک بار تفاضل‌گیری در حالت None مانا می‌باشد.	۰/۰۰۰۰	-۱۳/۱۶۳۶	Ash
با یک بار تفاضل‌گیری با عرض از مبدأ مانا می‌باشد.	۰/۰۰۰۰	-۱۱/۶۳۹۰	Cu
در سطح با عرض از مبدأ مانا می‌باشد.	۰/۰۰۰۰	-۲/۲۰۸۹۲	En
در سطح با عرض از مبدأ مانا می‌باشد.	۰/۰۰۰۰	-۲۳۰۵/۶۱	Li

همان‌گونه که از جدول ۴ برمی‌آید تمامی متغیرها از شرایط مانایی برخوردارند و مورد متغیرهای تغییر سود ناویژه (Ash) و نسبت جاری (Cu) هرچند خود متغیرها نامانا هستند لیکن با یک بار تفاضل‌گیری مانا خواهند شد.

هم‌جمعی متغیرها

مفهوم اقتصادی هم‌جمعی آن است که وقتی دو یا چند متغیر سری زمانی بر اساس مبانی نظری با یکدیگر ارتباط داده می‌شوند تا یک رابطه تعادلی بلندمدت را شکل دهند، هرچند ممکن است خود این سری‌های زمانی دارای روند تصادفی بوده باشند (نامانا باشند)، اما در طول زمان یکدیگر را به خوبی دنبال می‌کنند به گونه‌ای که تفاضل بین آن‌ها باثبات (مانا) است؛ بنابراین مفهوم هم‌جمعی تداعی‌کننده وجود یک رابطه تعادلی بلندمدت است که سیستم اقتصادی در طول زمان به سمت آن حرکت می‌کند.

جدول ۵. آزمون هم‌جمعی (منبع: محاسبات تحقیق با استفاده از نرم‌افزار Eviews)

t-Statistic	Prob	
-۸/۴۱۴۵۹۰	۰/۰۰۰۰	ADF

طبق جدول ۵ مقدار P-Value کمتر از ۵ صدم می‌باشد لذا وجود همگرایی پذیرفته می‌شود.

آزمون تشخیص مدل

قبل از تخمین مدل ابتدا باید آزمون‌های مربوط به آن را انجام داد. اولین آزمونی که انجام می‌دهیم، آزمون بررسی فرضیه زیر است. با توجه به فرض ثابت بودن ضرایب متغیرها، آیا عرض از مبدأ در تمامی سال‌ها ثابت است یا خیر.

برای آزمون فرضیه فوق از آماره چاو استفاده می‌شود. نتایج این آزمون در جدول ذیل خلاصه شده است.

جدول ۶. جدول آزمون تشخیص الگو (منبع: محاسبات تحقیق با استفاده از نرم‌افزار Eviews)

نتیجه‌گیری	P-Value	آماره فیشر مقطعی
عرض از مبدأها با هم نیستند	۰/۰۰۱۲	۲/۲۹۱۰۳۴

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود با توجه به اینکه مقدار P-Value برای هر مدل کمتر از ۵ درصد می‌باشد فرضیه صفر مبنی بر برابری عرض از مبدأها رد شده و برای آزمون فرضیات می‌بایست از روش Panel استفاده شود. حال می‌بایست در مدل Panel، مدل اثرات ثابت در مقابل مدل اثرات تصادفی آزمون گردد. برای این کار از آزمون هاسمن استفاده می‌شود.

اثرات ثابت^۱ یا تصادفی^۲

یک روش متداول در فرمول‌بندی کردن مدل داده‌های تلفیقی، بر این فرض استوار است که اختلافات بین واحدها را می‌توان به صورت تفاوت عرض از مبدأ نشان داد. در واقع برای هر ضریب، عرض از مبدأ متفاوت می‌باشد.

جدول ۷. آزمون اثرات ثابت و تصادفی (منبع: محاسبات تحقیق با استفاده از نرم‌افزار Eviews)

نتیجه‌گیری	درجه آزادی	P-Value	آماره هاسمن
اثرات ثابت	۴	۰/۰۰۴۲	۱۵/۲۳۱۵۳۸

طبق جدول ۷ آماره آزمون محاسبه شده کمتر از کای دو با درجه آزادی ۴ مقدار P-Value کمتر از ۵ درصد است؛ لذا فرضیه صفر رد شده و از روش اثرات ثابت در هر دو مدل استفاده می‌گردد.

با توجه به این که در معادله Panel و روش اثرات ثابت (fixed) می‌باشد نتیجه آزمون معادلات به شکل زیر می‌باشد.

1. fixed
2. random

جدول ۸ خروجی آزمون (منبع: محاسبات تحقیق با استفاده از نرم‌افزار Eviews)

tax = α + β ₁ ash + β ₂ cu + β ₃ en + β ₄ li + ε					
نتیجه‌گیری	P-Value	مقادیر آماره t	ضرایب متغیر	نام متغیر	
معنادار	۰/۰۰۰۰	۲۱/۲۴۵۳۶	۰/۱۴۶۰۸۱	C	مقدار ثابت
معنادار	۰/۰۰۱۲	-۳/۲۵۶۲۷۹	-۱/۸۶ E-۰۹	ash	آشفتگی مالی
معنادار	۰/۰۱۹۴	۲/۳۴۰۵۶۲	۰/۰۲۴۷۵۹	cu	نسبت جاری
معنادار	۰/۰۲۹۶	-۲/۱۷۸۰۹۸	-۰/۰۳۰۱۰۷	en	نسبت انی
معنادار	۰/۰۰۰۰	-۴/۱۸۷۷۲۹	۰/۰۰۲۶۱۴	li	نسبت گردش نقدی
۱/۶۵۰۴۷۸	آماره دوربین واتسون	۰/۳۳۳۱۷۶	مقادیر ضریب تعیین R ²		
۲۹/۸۹۱۸۵	مقادیر آزمون F	۰/۳۲۲۰۳۰	مقادیر ضریب تعیین تعدیل شده R ²		
۰/۰۰۰۰۰۰	مقادیر P-Value				
نتیجه کفایت الگو: با توجه به مقادیر آزمون F و مقدار P-Value که کمتر از ۵ صدم است رابطه معنادار است.					

بین آشفتگی مالی و اجتناب از مالیات رابطه منفی و معناداری وجود دارد و تغییر یک واحد آشفتگی مالی موجب می‌شود اجتناب از مالیات $1/86 E-09$ واحد تغییر کند. بین نسبت جاری و اجتناب از مالیات رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و تغییر یک واحد نسبت جاری موجب می‌شود اجتناب از مالیات $0/024759$ واحد تغییر کند. بین نسبت آنی و اجتناب از مالیات رابطه منفی و معناداری وجود دارد و تغییر یک واحد نسبت آنی موجب می‌شود اجتناب از مالیات $0/030107$ واحد تغییر کند. بین نسبت گردش نقدی و اجتناب از مالیات رابطه منفی و معناداری وجود دارد و تغییر یک واحد نسبت گردش نقدی موجب می‌شود اجتناب از مالیات $1/56 E-05$ واحد تغییر کند. همچنین با توجه به این که تفاضل بین مقادیر ضریب تعیین و مقادیر ضریب تعیین تعدیل شده کمتر از ۵ صدم است؛ لذا معادله دچار هم خطی نیست و چون مقدار آماره دوربین واتسون $1/650478$ می‌باشد معادله دارای چولگی (عدم توزیع نرمال) می‌باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

آشفته‌گی مالی هم برای اعتباردهندگان و هم برای سهامداران هزینه‌بر است، زیرا زمانی که شرکت دچار آشفته‌گی مالی شود، به‌صورت بالقوه این ریسک وجود دارد که تمام سرمایه سهام داران از بین برود. با وجود اینکه در زمان ورشکستگی و انحلال شرکت‌هایی پس از پرداخت بدهی‌ها به اعتباردهندگان، سهامداران می‌توانند سهم خود را از شرکت دریافت کنند، اما در بسیاری از مواقع سرمایه باقیمانده به‌ندرت حتی جوابگوی بدهی اعتباردهندگان است. بحران مالی و نهایتاً آشفته‌گی می‌تواند زیان‌های هنگفتی را برای سهامداران و سرمایه‌گذاران بالقوه اعتباردهندگان، مدیران، کارکنان، عرضه‌کنندگان مواد اولیه و مشتریان در پی داشته باشد.

فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات که منابع را از دولت به سهامداران انتقال می‌دهد و بنابراین ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد اطلاق می‌شود. بین آشفته‌گی مالی و اجتناب از مالیات رابطه منفی و معناداری وجود دارد و تغییر یک واحد آشفته‌گی مالی موجب می‌شود اجتناب از مالیات تغییر کند. بین نسبت جاری و اجتناب از مالیات رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بین نسبت آبی و اجتناب از مالیات رابطه منفی و معناداری وجود دارد و تغییر یک واحد نسبت آبی موجب می‌شود اجتناب از مالیات تغییر کند.

تحقیق حاضر نیز به بررسی این ارتباط پرداخته است که نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که بین در ماندگی مالی و اجتناب مالیاتی رابطه‌ای معنادار وجود دارد. از این رو نتایج تحقیق ما مخالف با نتایج سلطانی‌پناه و همکارانش در سال ۱۳۹۵ بوده و همسو با نتایج تحقیقات کرمی‌تبار و نیک‌جو در سال ۱۳۹۶ و بخشایش در سال ۱۳۹۶ بوده است که بر اساس نتایج حاصل از تحقیق حاضر در ادامه پیشنهادهایی مطرح شده است.

پیشنادهای آتی

بر اساس نتایج حاصل از تحقیق حاضر، پیشنهاد می‌شود نهادهای قانون‌گذار قوانینی را تصویب کنند که شرکت‌ها را ملزم کنند تا فعالیت‌ها و رویه‌های مالی خود را شفاف انجام داده و مراحل مالیاتی نیز به صورت روشن برای کلیه سهامداران مشخص شود. پیشنهاد می‌شود که به مؤلفه‌های

اجتناب مالیاتی در بازار سرمایه و بررسی هر یک از مؤلفه‌ها به تنهایی در بحث ثبات مالی بیشتر توجه شود.

پیشنهاد می‌گردد با طرح‌ریزی و اجرای حسابرسی‌های مؤثر و کارآمد موجبات شناسایی و گزارش به موقع بحران‌های مالی موجود پنهان در شرکت‌ها را با مراجع ذی‌ربط و مدیران مالی شرکت‌ها فراهم نمایند. تا با آگاهی و اقدامات به موقع از بروز مراحل بعدی درماندگی جلوگیری گردد. با توجه به مطالب، می‌توان پیشنهاد نمود که دولت‌ها در سراسر جهان در مقابله با این‌گونه بحران‌ها وارد عمل می‌شوند و سیاست‌های مالی و پولی خود را آن‌گونه تنظیم می‌کنند که خسارات ناشی از این بحران‌ها را بر بازار سرمایه و سرمایه‌گذاران خرد و کلان حداقل کنند. در کشور ما همانند سایر کشورها انتخاب راهکارهای مناسب برای کاستن از خسارت‌های ناشی از بحران‌های مالی، نیازمند شناسایی ویژگی‌های بازارهای مالی کشور و نحوه تأثیرپذیری آن‌ها از بحران‌ها می‌باشد.

از محدودیت‌های تحقیق حاضر می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- از آنجا که اطلاعات مالیاتی صحیحی در اختیار سازمان مالیاتی کشور از سوی شرکت‌ها و مالیات‌دهندگان ارائه نمی‌شود، نتایج تحقیق حاضر می‌تواند با اشتباهاتی همراه باشد.
- به دلیل وجود اپیدمی همه‌گیر کووید-۱۹ دسترسی کافی به اطلاعات و کتابخانه‌ها جهت بررسی محتوایی تحقیق وجود نداشت.

منابع

- بخشایش، داریوش (۱۳۹۶). بررسی تأثیر آشفته‌گی در ماندگی مالی شرکت بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت - های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و حسابداری، تهران. حیدرپور، فرزانه و نظر طجر، محمود (۱۳۹۵). تأثیر هزینه نمایندگی بر رابطه نظام حاکمیت شرکتی و هزینه سرمایه سهام. مدیریت دارایی و تأمین مالی، دوره ۱، ۸۱-۳۸.
- خانی، عبدالله؛ ایمانی، کریم و مالی، مهنام (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابداری، شماره ۵، ۴۸-۲۳.
- رحیمی، علیرضا و فروغی، عارف (۱۳۹۹). بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر کارایی سرمایه‌گذاری. دانش حسابداری، دوره ۱۱، شماره ۲ - شماره پیاپی ۴۱، ۲۶۴-۲۳۹.
- سلطانی‌پناه، سمیه؛ طوطیان، صدیقه و هاشمی، مصطفی (۱۳۹۵). بررسی ارتباط بین در ماندگی مالی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت و مهندسی صنایع.
- علیزاده طهبازی، صنم و رضازاده، جواد (۱۴۰۰). اهمیت کیفیت محیط اطلاعات داخلی در اجتناب از مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. اولین کنفرانس بین‌المللی مهندسی صنایع، مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تهران.
- علیزاده، امیر خادم؛ حنجری، سارا؛ امینی، محمدعلی و رسائیان، امیر (۱۳۹۴). نقدشوندگی سهام و اجتناب مالیاتی با در نظر گرفتن اهمیت حاکمیت شرکتی و محدودیت‌های مالی. بررسی‌های حسابداری و حسابداری، ۲۲(۴)، ۴۶۱-۴۷۸.
- فروغی، داریوش؛ میرزایی، منوچهر و رسائیان، امیر (۱۳۹۷). تأثیر فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه مالیات، جلد ۱۰، شماره ۵۳، ۱۵-۵۱.
- کرمی تبار، ناهید و نیک‌جو، مهدی (۱۳۹۶). بررسی تأثیر آشفته‌گی مالی بر اجتناب مالیاتی در زمان بحران مالی جهانی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. اولین کنفرانس ملی نقش حسابداری، اقتصاد و مدیریت، تبریز.
- محمدبیگی، یونس (۱۳۹۹). بررسی تأثیر افشای اختیاری بر اجتناب از پرداخت مالیات، سومین کنفرانس مدیریت اقتصاد و حسابداری، تهران.
- ناظمی اردکانی، مهدی؛ زار مهرجرد، وحید و محمد ندوشن، علیرضا (۱۳۹۷). طراحی و تبیین الگوهای

ورشکستگی شرکت‌ها برحسب صنایع منتخب با استفاده از الگوی درخت تصمیم. مدیریت دارایی و تأمین مالی، دوره ۱، شماره ۵۰، ۵۰۵-۵۳۸.

- Agrawal, K. K. (2007). Corporate Tax Planning., Vol. 1. 3-11.
- Alm, J. (2015). Measuring, explaining, and controlling tax evasion: lessons from theory, experiments, and field studies. *International Tax and Public Finance*, 19(1), 54-77.
- Armstrong, C., Jagolinzer, A., and D. Larcker. (2010). Chief executive officer equity incentives and accounting irregularities. *Journal of Accounting Research*, 48, 225- 271.
- Ayres, B, Jiang, J & Laplante, S. (2019). Taxable income as a performance measures the effects of tax planning and earning quality. *Contemporary accounting research*, vol 26. No 1, 15-54.
- Beladi, H., Chao, C. C., & Hu, M. (2018). Does tax avoidance behavior affect bank loan contracts for Chinese listed firms?. *International Review of Financial Analysis*, 58, 104-116.
- Cloyd, C. Bryan, Jamie Pratt and Toby Stock. (1996). The Use of Financial Accounting Choice to Support Aggressive Tax Positions: Public and Private Firms. *Journal of Accounting Research*, 34(1), 44-64.
- Crabtree, A.D., Kubick, T, R. (2014). Corporate tax avoidance and the timeliness of annual earnings announcements. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, Vol. 42, 51-67.
- Desai, M&D Dharmapala, D. (2016). Corporate tax avoidance and firm value. *Journal of economics and statistics review*, Vol 91. No 3, 537-546.
- Desai, M. A., & Dharmapala, D. (2019). Corporate tax avoidance and firm value. *The review of Economics and Statistics*, 91(3), 537-546.
- Desai, M., Dharmapala, D., Fung, W. (2007). *Taxation and the evolution of aggregate corporate ownership concentration*. Taxing Corporate Income in the 21st Century. Cambridge University Press, New York.
- Dhaliwal, D., C. Gleason, and L. Mills. (2004). Last-chance earnings management: Using the tax expense to meet analysts' forecasts. *Contemporary Accounting Research*, 21 (2), 431-459.
- Dyreng, S., M. Hanlon, and E. Maydew. (2008). Long-run corporate tax avoidance. *The Accounting Review*, 83(1), 61-82.
- Edwards, A, Schwab, C, & Shelvin, T. (2016). Financial constraints and the incentive for tax planning. Working paper. Available at www.ssrn.com
- Ghosh, A. R. (2012). Intertemporal tax-smoothing and the government budget surplus: Canada and the United States. *Journal of Money, Credit and Banking*, 27(4), 1033-1045.
- Gul, F. A., Khedmati, M., & Shams, S. M. (2020). Managerial acquisitiveness and corporate tax avoidance. *Pacific-Basin Finance Journal*, 64, 101056.
- Gupta, S., and K. Newberry. (1997). Determinants of the variability in corporate effective tax rates: Evidence from longitudinal study. *Journal of Accounting and Public Policy*, 16 (1), 1-34.
- Hanlon, M. (2003). What can we infer about a firm's taxable income from its financial statements?. *National Tax Journal*, 56(4), 831-863.
- Hanlon, M., and S. Heitzman. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2-3), 127-178.

- Haufler, A., & Schjelderup, G. (2010). Corporate tax systems and cross-country profit shifting. *Oxford Economic Papers*, 52(2), 306-325.
- Hay, R. (2017). Tax data transparency: UK. *Trusts & Trustees*, 23(1), 139-142.
- Izawa, R. (2020). Corporate structural change for tax avoidance: British multinational enterprises and international double taxation between the First and Second World Wars. *Business History*, 1-23.
- Jensen, M., and W. Meckling. (1976). Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3: 305-360.
- Kim, H. J., Batten, A., & Ryu, D. (2019). Financial crisis, bank diversification and financial stability: OECD countries. *International Review of Economics and Finance*, Doi: <https://doi.org/10.1057/jibs.2011.26>.
- Kim, H. J., Batten, A., & Ryu, D. (2019). Financial crisis, bank diversification and financial stability: OECD countries. *International Review of Economics and Finance*, ???, ???.
- Marhuenda, F., & Ortuño-Ortín, I. (2007). Tax enforcement problems. *Scandinavian Journal of Economics*, 99(1), 61-72.
- McGill, G., and E. Outslay. (2004). Lost in translation: detecting tax shelter activity in financial statements. *National Tax Journal LVII*, 739-756.
- Mills, L. F. and Kaye J. Newberry. (2001). The Influence of Tax and Nontax Costs on Book Tax Reporting Differences: Public and Private Firms. *The Journal of the American Taxation Association*, 23(1): 1-19.
- Phillips, J. (2003). Corporate tax-planning effectiveness: the role of compensation-based incentives. *The Accounting Review*, 78, 847-874.
- Pirttila, J. (2013). Tax Evasion and Economies in Transition: Lessons from Tax Theory. *Institute for Economies in Transition, Bank of Finland*, No. 2, ???.
- Rego, S. (2003). Tax avoidance activities of U.S. multinational corporations. *Contemporary Accounting Research*, 20(4), 805-833.
- Richardson, G., Taylor, G., Lanis, R. (2015). The impact of financial distress on corporate tax avoidance spanning the global financial crisis: Evidence from Australia. *Economic Modelling*, Vol. 44, 44-53.
- Sikka, P., & Willmott, H. (2017). The dark side of transfer pricing: Its role in tax avoidance and wealth retentiveness. *Critical Perspectives on Accounting*, 21(4), 342-356.
- Slemrod, J. (2016). Optimal taxation and optimal tax systems. *Journal of Economic Perspectives*, 4(1), 157-178.
- Slemrod, J. (2017). Cheating ourselves: The economics of tax evasion. *Journal of Economic Perspectives*, 21(1), 25-48.
- Wilson, R., (2009). An examination of corporate tax shelter participants. *The Accounting Review*, 84, 969-999.
- Yamamura, E. (2014). Trust in government and its effect on preferences for income redistribution and perceived tax burden. *Economics of Governance*, 15(1), 71-100.